



## تبیین جامعه شناختی دگردیسی نهاد خانواده در پرتو روابط فرازناشویی با رویکرد GT

زهرا آقاجانی بیگی<sup>۲</sup>

حسین ابوالحسن تنهایی<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی جایگاه باور و انگیزه زنان در مدل مفهومی رابطه فرازناشویی آنان بود. پژوهش با رویکرد کیفی و روش گراند تئوری انجام شد. تکنیک گردآوری داده‌ها، مصاحبه ساخت نیافته و داده‌های مورد نیاز از مصاحبه با ۱۷ نفر از زنان ساکن شهر قزوین که تجربه رابطه فرازناشویی داشتند؛ جمع‌آوری شده است. انتخاب مصاحبه‌شوندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند که نیازمند استفاده از نمونه‌گیری متوالی به نام گلوله برفی است، انجام شد. در این پژوهش از اعتبار زاویه‌بندی استفاده شده است. براساس یافته‌ها، شرایط علی این پژوهش تنوع‌طلبی جنسی، عدم مهارت و دانش جنسی و توجیه رابطه فرازناشویی و عدم حضور همسر شناسایی شدند. پدیده محوری دگردیسی صمیمیت یا عشق متلاقی که در زمینه جایگزینی برای رشد روابط اجتماعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، افزایش اوقات فراغت و تسهیل‌گری فن‌آوری‌های نوین پدید آمده است. فردگرایی، دوسویگی جنسیتی، بی‌تفاوتی همسر، فرودستی زن در کسب درآمد به‌عنوان شرایط مداخله‌گر و در نهایت مشخص شد که زنان، با بهره‌گیری از استراتژی‌های عمل به رابطه فرازناشویی و به میل به مصرف، مدیریت بدن و تردید داشتن در ادامه زندگی پیامدهایی افزایش لذت‌گرایی و عادی شدن رابطه فرازناشویی را خلق کردند.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

### واژگان کلیدی

رابطه فرازناشویی، تغییر باور زنان، ساختار خانواده، روابط پنهان، زنان شهر قزوین

### ارجاع به مقاله:

ابوالحسن تنهایی، حسین؛ آقاجانی بیگی، زهرا. (۱۴۰۰). تبیین جامعه شناختی دگردیسی نهاد خانواده در پرتو روابط فرازناشویی با رویکرد GT. مطالعات زن و خانواده، ۹(۴)، ۱-۵. doi:10.22051/jwfs.2021.35169.2649

## زمینه و هدف

پژوهشگر به دنبال این است که چگونه و در چه زمینه و شرایط اجتماعی و زندگی زناشویی، زنان متأهل شهر قزوین به رابطه فرا زناشویی گرایش پیدا کردند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی جایگاه باور و انگیزه زنان در مدل مفهومی رابطه فرا زناشویی آنان می‌باشد.

## روش

روش پژوهش حاضر کیفی و تکنیک گراند تئوری انجام گرفت، روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه ساخت نیافته و داده‌های مورد نیاز از مصاحبه با ۱۷ نفر از زنان ساکن شهر قزوین که تجربه رابطه فرا زناشویی داشته یا دارند؛ جمع‌آوری شده است. انتخاب مصاحبه‌شوندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند که نیازمند استفاده از نمونه‌گیری متوالی به نام گلوله برفی است، انجام شد. در این پژوهش از اعتبار زاویه‌بندی استفاده شده است.

## یافته‌ها

در نتیجه این پژوهش شرایط علی تنوع‌طلبی جنسی، عدم مهارت و دانش جنسی و توجه رابطه فرا زناشویی و عدم حضور همسر شناسایی شدند. پدیده محوری "دگرذیسی صمیمیت" یا "عشق متلافی" در زمینه جایگزینی برای رشد روابط اجتماعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، افزایش اوقات فراغت و تسهیلگری فناوری‌های نوین پدید آمده است. فردگرایی، دوسویگی جنسیتی، بی‌تفاوتی همسر، فرودستی زن در کسب درآمد به‌عنوان شرایط مداخله‌گر کشف شد و در نهایت مشخص شد که زنان، با بهره‌گیری از استراتژی‌های عمل به رابطه فرا زناشویی و میل به مصرف، مدیریت بدن و تردید داشتن در ادامه زندگی، پیامدهای افزایش لذت‌گرایی و عادی شدن رابطه فرا زناشویی را خلق کردند.

## نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های بدست آمده در این پژوهش، به این نتیجه دست یافتیم که همزمان با ظهور تغییرات نوین در نظام فرهنگی و اجتماعی تمامی جوامع، تحولات و دگرگونی‌های متعدد و پرسرعتی نیز، در ارزش‌ها و باورهای مردم خصوصاً زنان، پیرامون ازدواج و خانواده به وجود آمده است؛ به طوری که منجر به پدیده تغییر شکل صمیمیت در لایه‌های زیرین خانواده شده است. از یک طرف، پدیده جهانی شدن و از طرفی دیگر درگیر بودن با وضعیت فردی و پیوند با سنت‌های گذشته زنان را در موقعیت جدیدی قرار داده است؛ همان موقعیتی که گیدنز از آن به "شرایط برابر ساز" نام می‌برد (گیدنز، ۲۰۱۳).



در این موقعیت زنان به عرصه‌هایی وارد می‌شوند که پیش از آن امکان حضور در آن را نداشتند. آن‌ها با وارد شدن به عرصه‌های جدید، روابط نوینی در مسیر زندگی روزمره خود ایجاد کردند که این امر در فرایند هویت جویی آنان بسیار مؤثر عمل کرد.

به طوری که امروزه دوشادوش مردان در جامعه مشغول کار و فعالیت‌های مختلف هستند و با حضور اجتماعی پر رنگ در فضای اجتماعی و اقتصادی وارد سپهر عمومی جامعه شده و با گروه‌ها و افراد مختلفی به صورت روزانه برخورد دارند؛ که این عوامل منجر به تغییر طرحواره‌های ذهنی و عاطفی در زنان شده است. همچنین با افزایش اوقات فراغت زنان، نسبت به گذشته و دگرگونی ایجاد شده در نظام ارزش‌ها، همراه با رشد اندیشه و تفکر نوین و گسترش آگاهی‌های عمومی، ارتقای تحصیلات تخصصی زنان و تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، گسترش وسایل ارتباطی نوین، آن‌ها دیگر تماماً درگیر مسئولیت‌های مربوط به خانواده و فرزندان نشده و دائما در حال بازاندیشی نگرش خود نسبت به دنیای بیرون هستند.

امروزه هویت زن ایرانی، ترکیبی بازاندیشانه از هویت‌های مدرن و سنتی است، در واقع با ترکیب این دو هویت، زنان در پی تعریف هویت اجتماعی جدیدی هستند که با رشد اجتماعی و به نوعی شکل‌گیری فردیت زنانه و استقلال نسبی از مردان همراه است، بطوریکه آن‌ها از حاشیه به متن کشیده شده و به نوعی رشد یافته و شخصیت مستقلی برای خود شکل داده‌اند و با کاهش وابستگی به مردان و به زیر سؤال بردن نقش جنس دوم، گسترش حضور خود را در جامعه امروزی نسبت به گذشته به شدت افزایش داده‌اند. از طرفی با افزایش فردگرایی که در تفکر مدرن وجود دارد، زنان به این باور رسیده‌اند که پیش‌تر و مهم‌تر از هر چیز، خود آن‌ها و رفع نیازها و جلب لذت‌هایشان می‌باشد.

اگرچه با قاطعیت نمی‌توان حضور زنان در جامعه را عاملی برای بروز آسیب‌های اجتماعی دانست ولی به طور کلی، شانس و احتمال حضور دو جنس مخالف در محیط‌های اجتماعی نسبت به گذشته بیشتر شده و افراد در روابط کاری، خودمانی‌تر شده و به حریم خصوصی هم پا گذاشته‌اند و این وابستگی عاطفی، نوعی احساس تعلق ایجاد کرده که توأم با نوعی دوگانگی است. یعنی از طرفی آن‌ها در صورت پشیمانی توان قطع رابطه را ندارند؛ چون یا از طرف فرد بیگانه مورد تهدید و اخاذی قرار گرفته و مجبور به ادامه رابطه می‌شوند، یا از طرف دیگر در برقراری رابطه عاطفی با شخصی به جز همسرشان، دائماً در عذاب و احساس گناه هستند، که این خود باعث ایجاد مشکلات و اختلافات زناشویی خواهد شد.

مطالعات زیادی در خصوص پدیده فرازناشویی زنان در ایران صورت گرفته اما کمتر به مفهوم جامعه‌شناختی پرداخته شده و بیشتر در حوزه روان‌شناسی و آسیب‌شناسی مورد پژوهش قرار گرفته است. از جمله این پژوهش‌ها:

پژوهش قدیری با عنوان "مطالعه پدیدار شناختی فرازناشویی" از مصاحبه عمیق با ۳۶ نفر از زنانی که تجربه رابطه فرازناشویی داشتند و از طریق تکنیک گلوله برفی انتخاب شده و مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند

انجام گرفته است، یافته‌های پژوهش نشان داد، که روابط فرازنشویی معلول عوامل متعدد و متکثری است که تعدادی از این مقوله‌ها: فردگرایی، تأثیرپذیری از دوستان، مشکلات اقتصادی، اعتیاد و رسانه‌ها است (قدیری، ۱۳۹۶).

عبدالملکی نیز در پژوهش خود با عنوان "رابطه استفاده از رسانه‌های جهانی و بازانديشی مدرن با گرایش به روابط فرازنشویی در بین زوجین شهر قروه بیان کرد، استفاده از رسانه‌های جهانی، بازانديشی مدرن و تغییر شکل صمیمیت و رضایت زنشویی در گرایش زوجین به رابطه فرازنشویی تأثیرگذار است (عبدالملکی، ۱۳۹۴).

همچنین یافته‌های تحقیق آروچ و همکاران این تحقیق حاکی از آن است که مردان بیشتر به زنان خیانت می‌کنند، در حالی که زنان تصور می‌کنند که خیانت عاطفی بیشتری نسبت به مردان مرتکب می‌شوند. مردان خیانت جنسی را درک می‌کردند و زنان خیانت عاطفی را به‌عنوان بدترین نوع خیانت تلقی می‌کنند (آروچ و همکاران، ۲۰۱۵). گیل بریور و همکاران نیز در پژوهش خود نشان دادند که صفت تاریک سه‌گانه: خیانت خود زنان، آسیب‌پذیری درک شده‌شان به خیانت شریک و انتقام در پاسخ به این خیانت را پیش‌بینی می‌کنند (گیل بریور، ۲۰۱۵).

زرنندی (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی عنوان کرد که دستاوردهای نوین زنان و تغییر در نقش‌های جنسیتی در کنار سایر مقولات می‌تواند موجب رابطه‌ای پایدار و خودخواسته گردد و رابطه اجباری فعلی را قطع نماید. که این پژوهش نیز آن را تأیید می‌کند (زرنندی، ۱۳۹۶).

### ملاحظات اخلاقی

در این تحقیق به مسائل اخلاقی از جمله تبیین هدف تحقیق برای شرکت‌کنندگان، دادن زمان کافی به هر مصاحبه شونده برای درک و پاسخگویی به سؤالات تحقیق، ناشناس بودن، محرمانه بودن اطلاعات، حفظ حریم خصوصی، رضایت آگاهانه، صداقت و درستکاری توجه کامل شد. همچنین اصول اخلاقی مرحله جمع‌آوری داده‌ها، اصول وفاداری و قضاوت مستدل، اصول اخلاقی تحقیق در نظر گرفته شد و در مرحله تحلیل و تفسیر، حقوق کلیه ذینفعان این تحقیق رعایت شد.

مطالعه حاضر توسط هیچ موسسه‌ای حمایت نشده است.

**حمایت مالی:** مطالعه حاضر تحت هیچ‌گونه حمایت مالی انجام نشده است.

**سهم نویسندگان:** نویسنده مسئول زهرا آقاجانی بیگی بوده و مسئولیت تحقیق و نگارش مقاله را بر عهده داشته است. نویسنده دوم حسین ابوالحسن تنهایی مسئولیت ویراستاری علمی مقاله را بر عهده داشت.

**تضاد منافع:** این پژوهش به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم با منافع تعارض ندارد.

<sup>1</sup> Urooj et al

<sup>2</sup> Gil Brewer et al



تشکر و قدردانی: محققین از تمامی زنانی که با مشارکت خود در مطالعه ما را در این تحقیق یاری کردند، قدردانی می‌کنند. و همچنین از عزیزانی که در نوشتن این مقاله به من مشاوره و راهنمایی کردند تشکر می‌کنم.

## منابع فارسی

- عبدالمملکی، مریم. (۱۳۹۴). رسانه، بازاندیشی و گرایش به روابط فرزندناشویی در بین (مورد مطالعه: زوجین ۱۸ تا ۴۲ سال شهر قروه). فصلنامه خانواده پژوهی، ۱۱(۴۳): ۳۰۹-۳۳۲
- قدیری حسن، فیروزجانیان علی اصغر. (۱۳۹۶). مطالعه پدیدارشناختی دلایل بی وفایی زناشویی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۱(۱)، ۱۲۳-۱۴۷.
- زرنندی مرجان، هاشمیان فر، سیدعلی، کیانپور مسعود. (۱۳۹۶). زنان و برساخت اجتماعی تعهد زناشویی؛ مورد مطالعه: شهر اصفهان، راهبرد فرهنگ، ۱۰ (۳۸).

## References

- Abdolmaleki, M., Azadeh, M. A. and Ghazinezhad, M. (2015) The relationship of global media, modern reflexivity and tendency to extramarital relationship among married couples of Qorveh city. *Journal of Family Research*, 11(43), 309-32. [[link](#)] (text in Persian)
- Brewer, G. and Abell, L. (2015) Machiavellianism and sexual behavior: Motivations, deception and infidelity. *Personality and Individual Differences*, 74, 186-191. [[link](#)]
- Urooj, A. and Anjum, G. (2015) Perception of emotional and sexual infidelity among married men and women. *Pakistan Journal of Psychological Research*, 421-439. [[link](#)] (text in Persian)
- Firouzjaeian, A. and Ghadiri, H. (2017) A phenomenological study of the causes of marital infidelity. *Iran Soc Stud*, 11(1), pp. 147-23. [[link](#)] (text in Persian)
- Giddens, A. (2013). *The consequences of modernity*: John Wiley & Sons. [[link](#)]
- Zarandi, M., Hashemianfar, S. A. and Kianpour, M. (2017) Women and Social Construct of marital Commitment: A Case Study of Isfahan City. *Cultural strategy*, 38, 127-163. [[link](#)] (text in Persian)

